

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۹۸/۲۳۵۱-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸ شماره مقاله: ۸۸۶۶/۰۷۰۶ رده بندی کنگره: غ ۱۰۱/۴۷۲

علت شناسی ارتکاب خشونت علیه کودکان با رویکرد جرم شناسی

وجیهه چوپانی کوشکیچه

دانشجوی کارشناسی دانشگاه پیام نور مبارکه

چکیده

خشونت و رفتار غیر مسالمت آمیز علیه کودکان، پدیده‌های است که دو دهه‌ی اخیر به صورت علمی مورد توجه پژوهشگران و صاحب نظران حوزه ی علوم تربیتی و همچنین روانشناسان قرار گرفته است. به دنبال آن علمای علم حقوق به ویژه جرم‌شناسان، سعی نمودند که به منظور صیانت از حقوق کودکان و ریشه کن کردن یا حداقل کاهش این پدیده ی نابه‌نجار از طریق مقابله و پیشگیری، به راهکارهای مؤثری دست یابند. خشونت علیه کودکان یکی، از عوامل اختلال در امنیت جسمی و روحی آنان محسوب می‌شود که آثار مخرب خرد و کلانی را هم نسبت به کودک و هم نسبت به جامعه به جای خواهد گذاشت؛ به همین دلیل، کشاندن موضوع خشونت علیه کودکان به حیطه‌ی علم جرم‌شناسی در جهت دستیابی به علل ارتکاب آن و سپس به کارگیری روش‌هایی به منظور مقابله با این نوع خشونت و پیشگیری از آن، که هدف اصلی این پژوهش نیز می‌باشد، ضروری است. بزرگسالان به‌ویژه والدین باید از طریق آموزش دیدن که با برنامه‌ریزی‌های اصولی توسط کارشناسان ذیربط انجام‌گردد، به اهمیت وضعیت حساس کودکان پی برده و بیش از پیش در جهت تربیت و تأدیب آنان تلاش نمایند تا از پرورش درخور آنها، جامعه نیز به منزلتی والا و جایگاهی شایسته نایل آید. از آن روی که موضوع خشونت علیه کودکان به صورت یک پژوهش مستقل در چهارچوب علم جرم‌شناسی و با توجه به تمهیدات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا نگارنده در جستار حاضر بر آن بوده است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی این مهم

پردازد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که جرمانگاری افعال خشونت‌آمیز علیه کودکان، آموزش بزرگسالان در جهت تکریم حقوق کودکان و تصویب قوانین حمایتی از آنان، در کاهش این پدیده، مؤثر واقع می‌شوند.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی، قانون، خشونت، کودک آزاری، پیشگیری

مقدمه

چنانکه پیداست کودکان که به حقیقت ظریف‌ترین اعضای جامعه‌ی انسانی ما هستند هر لحظه با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که علل آن را می‌توان در درون جامعه پیدا نمود، زیرا بیشترین مشکلات کودکان ناشی از رفتارهای مستقیم یا پیامدهای رفتاری بزرگسالان است؛ این مسأله نشان دهنده‌ی این واقعیت است که جامعه نتوانسته است تا یک رابطه‌ی صحیح و هموار را میان اعضای بزرگ و کوچک خود برقرار نماید. بزرگسالان که مدیریت جوامع را به عهده دارند لازم است با ایجاد یک سیستم نو در جهت برقراری یک رابطه‌ی معقول به منظور شکوفایی استعداد کودکان، فراهم نمودن زمینه‌ی رشد مطلوب آنان و انتقال تجربیات زندگی به کودکان گام بردارند. ناکامی در برپایی یک سیستم جدید که در آن، کودکان به عنوان پایه‌های هر جامعه‌ی انسانی شناخته شوند و حقوق آنها مسلماً رعایت گردد، موجب می‌شود تا همچنان بر منوال سابق و بر اندیشه‌های سیستم فعلی که تا کنون معضل بی‌توجهی به کودکان را مرتفع ننموده است، باقی بمانیم که در صورت لاینحل ماندن این مشکلات، احتمال متضرر شدن کودک و به تبع آن جامعه بسیار بالا می‌رود.

حراست از امنیت، آسایش و آرامش معقول برای کودکان، امید را در شریان‌های حیاتی هر جامعه به جریان خواهد انداخت و قدرت شکوفایی آن جامعه را نیز افزایش خواهد داد. امنیت روانی کودکان، امید به زندگی و آزادی اندیشه توأم با روشنفکری و روشنگری را به عموم مردم هر جامعه اعطا خواهد نمود که این جریان بی‌تردید نیازمند توجه به کودکان و حمایت از آنان است. کودکان به دلیل ظرافت ماهیت دارای احساسی پاک، قلبی شکننده و روحی بخشنده هستند که تندی در گفتار و رفتار و خشونت در عمل، موجبات سرخوردگی شخصیتی را برای